

«سند برادری» چرا؟

سید علی علوی

رسیده است. ملتی که عقبه‌های هویتی اش به واسطه سال‌ها جنگ و ناامنی و بی‌ثباتی و تندروی کم رنگ و سست شده، اکنون در حال بازسازی هویت خود است. موضوعی که غربی‌ها خیلی قبل‌تر از ما، آن را در افغانستان جدی گرفته و بر آن سرمایه‌گذاری کلانی کرده‌اند؛ از تاسیس مراکز آموزشی و دانشگاهی و خیریه‌ها و جذب نخبگان علمی تا راه اندازی شبکه‌های تلویزیونی متعدد به سبک و سیاق غربی.

این را بگذاریم کنار جریان‌های ضدجهادی در بدنه تصمیم‌گیران افغانستان و جریان بیرون آن که می‌کوشد مجاهدان و جریان جهادی را از حاکمیت و عرصه سیاسی امروز این کشور حذف کند.

پنج: واقعیت این است که افغانستان امروز خیلی بیش از آن که درگیر با طالبان، داعش، حضور نظامی آمریکا یا دخالت‌های پاکستان باشد، درگیر یک جنگ هویتی است. هویتی که اسلام خواهی، استکبار و استعمار ستیزی و آزادی از بخش‌های جداناپذیر آن است. جنگ امروز افغانستان نه بحران طالبان یا داعش بلکه جنگ نرمی است برای دگرگونی هویت یک ملت آن هم بدون در نظر گرفتن سابقه و صبغه ملی و مذهبی اش، ملتی که بدون شک یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های هویتی و مجاهدت‌های تاریخی برای اسلام است.

باتوجه به آنچه ذکر شد و با عنایت به اشتراکات فرهنگی، تاریخی و اسلامی به نظر می‌رسد امروز ازجمله رسالت‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان، کمک و سرمایه‌گذاری مادی و معنوی برای احیای هویت اسلامی و ملی مردم این کشور است، ملتی که همچنان میل به احیای هویت و عزت اسلامی در آن موج می‌زند. به طور قطع معرفی و تبیین حضور و مجاهدت خالصانه هزاران مبارز افغانستانی در دفاع مقدس که مبتنی بر آرمان و عقیده ناب اسلامی صورت پذیرفته در عرصه همین رسالت و تکلیف به شمار می‌آید.

از این رو، ویژه‌نامه «سند برادری» تلاشی است برای بازخوانی هویت اسلامی ملت مقاوم افغانستان؛ ملتی که صدای انقلاب اسلامی را شنید و با مرکب خون طومار حمایت از آن را امضا کرد.

«سند برادری» می‌کوشد در راستای احیای هرچه بیشتر اشتراکات بین ملت‌های ایران و افغانستان قدم بردارد و به پیشگاه مجاهدان افغانستانی و ایرانی که مرز نمی‌شناختند و برای جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنگان و مرفهین بی‌درد لباس رزم پوشیدند و سند برادری شان را به خون امضا کردند، ادای دین کند...

چرا امروز باید از مجاهدت‌های برادران افغانستانی مان سخن بگوییم؟ مجاهدت‌هایی در شمار چند هزار رزمنده و جانباز و بیش از ۲ هزار شهید در دفاع مقدس هشت ساله ایران؛ دفاعی که به اعتقاد مجاهدان دیروز و امروز برای زنده نگاه داشتن قرآن و اسلام ناب بود. به نظر پسندیده می‌آید که سخن گفتن از این مجاهدت‌ها را در منظری فراتر از یک واقعه تاریخی و تقویمی دید. آری! می‌توان این مقوله را در ساحت و موضوعی استراتژیک تحت عنوان «مسئله ایران و افغانستان» مورد مذاقه قرارداد.

یک: از یک منظر ایران با هیچ کشور دیگری به میزان افغانستان اشتراکات ندارد. دین مشترک، تاریخ مشترک، مفاخر مشترک، فرهنگ شفاهی مشترک، تقویم مشترک، هنر و ادبیات مشترک و روشن‌تر از همه زبان مشترک و... بخشی از جلوه‌های این اشتراک هاست؛ اشتراکاتی که به سبب برخی چالش‌ها و کج سلیقه‌های برخی تصمیم‌گیران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. **دو:** از منظری دیگر افغانستان یک کشور و ملت مسلمان خالص با سوابق درخشان در فرهنگ اسلامی است. تولیدات مکتوب در حوزه‌های اسلامی و آیینی شامل حدیث، تفسیر، فقه و تاریخ و نیز وجود مفاخر و شخصیت‌های علمی و سیاسی موثر در تاریخ اسلام که در طول قرون متمادی از این سرزمین سربرآورده‌اند، چند برابر کشورهای مغرب اسلامی است. از این روست که اهمیت و جایگاه تاریخی این دیار در فرهنگ و موارث اسلامی بیشتر به چشم می‌آید.

سه: نکته دیگر در تبیین چرایی ورود به این موضوع، ضرورت تغییر نگاه امروز ما به افغانستان است.

رابطه‌ای که با وجود همه این اشتراکات، به دلیل سابقه تاریخی و نزاع هر از گاه سلسله‌های پادشاهی در دو کشور و تفرقه افکنی‌های استعمار طی دو قرن اخیر به خصوص در حکومت‌های پهلوی و محمدزایی بر آن گرد کدورت نشست است. همانند اینکه سال‌ها درگیری، هرج و مرج و آوارگی مردم افغانستان و برخی تجربیات تلخ اجتناب‌ناپذیر مهاجرت از یک سو و از سوی دیگر برخی تصمیم‌های غلط در سطوح میانی و کج سلیقه‌های بی‌تدبیری‌ها در سطوح اجرایی و رسانه‌ای در ایران نسبت به مهاجران افغان، شرایط و نگاهی را به افکار عمومی امروز جامعه ایران تحمیل کرده است که به برداشتی نادرست از ملت صبور، مقاوم و خالص افغانستان منجر شده است. برداشتی که به دلایل انسانی، ملی و اعتقادی به ترمیم و اصلاح نیاز دارد. **چهار:** افغانستان امروز پس از سال‌ها ناآرامی به یک ثبات نسبی